

عنوان و ترجمه آن

اسماعیل حدادیان مقدم

A Heading or title is static, and describes a finished narration.
(Peter Newmark 1988: 160)

آیا خورشید همچنان می درخشد، یا می دمد؟ کدام یک به صدا در می آید: زنگها یا ناقوسها؟ آیا موسی نازل شود، فرود آید، برخیزد، یا به سرزمین مصر برود؟ آوای موسیقی است یا اشکها و لبخندها؟ تکلیف خواننده بی تقصیر چیست که گمان می کند با دو موضوع، دو کتاب و یا دو فیلم مختلف روبروست. با نگاهی دقیق به عناوین کتابها و فیلم های گوناگون، می بینیم که مثلاً برای یک عنوان، چند ترجمه متفاوت وجود دارد. به مثال زیر که عنوان یکی از کتابهای ارنست همینگوی و چهار ترجمه آن است توجه کنید:

Across the River and into the Trees.

۸

۱- براه خرابات در چوب تاک، ترجمه پرویز داریوش، ۱۳۳۲.

۲- آن دست رودخانه و به میان درختان، محسن سلیمانی، ۱۳۶۷

۳- بر رودخانه و جنگل، شیوا صفوی، ۱۳۷۲

۴- گذر از رودخانه به سوی درختان، تهمینه ادیب فر، ۱۳۷۴

لازم است ذکر شود که، از چهار مورد بالا، تنها عنوان اول بر پشت جلد کتاب ترجمه شده نقش بسته است. حالا، خواننده چگونه قضاوت کند که آیا این چهار عنوان، ترجمه عنوان چهار کتاب مختلف است، یا همه یکی است و سلیقه های مختلف و دلایلی دیگر، باعث پدید آمدن آنها شده است. در نوشتار زیر، بحث درباره عنوان و مسائل آن است.

۱- عنوان و انواع آن

می دانیم که معمولاً هر کتاب، مقاله، داستان، شعر و یا فیلم، جدا از نام نویسنده و کارگردان، با نام عنوانش نیز شناخته می شود. گاه اتفاق می افتد که نام نویسنده و یا کارگردان فیلمی را فراموش می کنیم؛ اما این در مورد عناوین (به طور کلی) کمتر پیش می آید. مثلاً، بیشتر بینندگان تلویزیون، عنوان سریالی تلویزیونی را تا مدت ها به ذهن می سپارند. آنچه در میان خوانندگان نیز رایج است این است که، ایشان نویسندگان مورد علاقه خود را معمولاً با نام (عنوان) آثار آنها می شناسند: مولوی را با مثنوی، سعدی را با بوستان و گلستان، و جک لندن را با سپیددندان. از این رو، می بینیم که دقت و توجه کافی در انتخاب عنوان می تواند سبب ماندگاری اثری گردد.

پیش از بررسی عنوان و انواع آن، بد نیست درباره "تیترا" و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با عنوان، مقایسه‌ای به عمل آورم. معمولاً تیترا در روزنامه‌ها و مجلات، مهم‌ترین قسمت خیر یا گزارش و یا خلاصه‌ترین شکل ممکن آن است که با حروفی درشت‌تر از متن چاپ می‌شود؛ و علاوه بر کمک به زیبایی صفحه، مطالب را از یکدیگر جدا می‌سازد؛ و نگاه خواننده را به سوی خود می‌کشد.^۱ عنوان نیز سعی در جلب نظر خواننده دارد، با حروفی درشت‌تر از متن چاپ می‌شود و عموماً ناظر بر محتوای اثر است. کار انتخاب تیترا در مطبوعات معمولاً به عهده فردی با تجربه به نام "تیترازن" است؛ و انتخاب عنوان بیشتر آثار نمایشی و یا مکتوب (به جز روزنامه‌ها و مطبوعات)، کاری است که محدوده کاملاً مشخص ندارد و امکان آن هست که عنوان انتخابی اول، بارها به دلایلی بیشمار که بعداً از آنها یاد خواهد شد، تغییر نماید. در هر دو مورد مقایسه شده در بالا، مهارت و دقت در انتخاب تیترا و عنوان الزامی است.

عناوین بسته به ماهیت محتوایی خود متفاوتند، می‌توانند کوتاه و در حد یک کلمه باشند، مانند: فاوست اثر گوته؛ یا بلند و در حد دو تا سه جمله، مانند عنوان این کتاب از مورت روزنبوم (۱۹۹۵):

Who stole the news? Why we can't keep up with what happens in the world and what we can do about it?

عناوین بعضی داستانها، اسم خاص است و اغلب این اسم خاص، قهرمان داستان است، مانند: آرد جیم اثر جوزف کنراد، یا ابله‌موف اثر ایوان گانچاروف. عنوان، پای در مرز اعداد و ارقام نیز گذاشته است. مانند: اثر جورج آرول.

عنوان می‌تواند مربوط به مقاله‌ای علمی، داستانی کوتاه یا بلند (ادبیات داستانی به‌طور کلی)، شعر، نمایشنامه و یا فیلمی سینمایی باشد. عنوان مقالات علمی، معمولاً باید ساده و رساننده قصد نویسنده و هدف مقاله باشد. مثلاً عنوان:^۲ When Sleepwalkers Become Sleepwalkers. مفهوم حرف زدن خوابگردهاست. پیتر نیومارک (۱۹۸۸:۱۵۶)، معتقد است که فایده عنوان در مقالات علمی آن است که معمولاً موضوع مقاله را بیان می‌کند. اما، همیشه این‌گونه نیست که هدف از فرایند علمی در عنوان توضیح داده شده باشد.

در داستانها، عناوین مانند خود داستانها می‌توانند انواع مختلفی داشته باشند. در داستانها، تنوع عنوان بیشتر به چشم می‌خورد و این تنوع تا حدود زیادی ترجمه آنها را دشوار کرده است. هر چند عناوین داستانها، بیشتر زائیده تفکر و تخیل نویسندگان است و معیار مشخصی برای تعیین آنها وجود ندارد، سعی بر آن است که با موضوع و محتوای اثر ارتباط داشته باشند. می‌دانیم که شاعر سعی می‌کند با شعر خود بر خواننده تأثیر گذارد، لذا توجه زیادی در انتخاب

۱- برای اطلاع بیشتر درباره ساختار تیترا، ر.ک:

Janice Abbott, *Meet the Press*, Cambridge University Press, 1981, P.102 .

2. From "EQUINOX", *Canadians Magazine of Discovery*, No. 86, April 96 P.13.

عنوان می‌کند تا تأثیر شعر را بیشتر کند. در عناوین اشعار نیز، تنوع زیادی وجود دارد و مترجم باید وقت بیشتری صرف کند و بعد از آنکه از تأثیر شعر بر خود اطمینان یافت، دست به ترجمه آن بزند. در فیلم و نمایشنامه، مهم‌ترین عامل برای تعیین عنوان (حتی در هنگام ترجمه آن)، فروش بیشتر و جلب تماشاگر بیشتر می‌باشد. سایر عوامل (جذابیت و تأثیرگذاری و ...) همگی در خدمت عوامل ذکر شده قبلی است و همه این عوامل روی هم سبب می‌شوند که عنوان اصلی بارها تغییر کند. تقسیم‌بندی عنوان‌ها کار ساده‌ای نیست و تقسیم‌بندی‌های مختلفی امکان‌پذیر است. در اینجا، چون منظور ما در محدوده ترجمه است، تقسیم‌بندی را نیز بر آن اساس می‌گذاریم.

۱-۱ عناوین صریح

در این نوع عناوین، بین عنوان اثر با موضوع و محتوا رابطه‌ای نزدیک، واضح و مستقیم وجود دارد. این عناوین به هنگام ترجمه تغییر اساسی نمی‌کنند و ترجمه آنها تا حد زیادی به ترجمه تحت‌اللفظی شباهت دارد. مانند:

شاهزاده و گدا، مارک تواین *The Prince and the Pauper*

گذری به هند، ای.ام. فورستر *A Passage to India*

البته، شرط آنکه مترجم بتواند عناوین صریح را به خوبی ترجمه کند، آن است که با خواندن دقیق اثر، متوجه وجود آن ارتباط نزدیک، واضح و مستقیم بشود. در بعضی موارد، با وجودی که بین عنوان اثر با موضوع و محتوا رابطه‌ای نزدیک، واضح و مستقیم وجود دارد، عنوان به هنگام ترجمه تغییر می‌کند، و دیگر ترجمه تحت‌اللفظی آن رسا نیست. در این باره در بخش "معیارهای ترجمه عنوان" بحث می‌شود.

۱-۲ عناوین غیر صریح

گاه با وجودی که بین موضوع و محتوای اثر با عنوان ارتباط وجود دارد، اما عنوان چنین ارتباطی را نشان نمی‌دهد. در این گونه موارد بحث عناوین غیر صریح پیش می‌آید، و ممکن است خواننده و یا مترجم در برداشت اول دچار ابهام گردد. در این گروه می‌توان هر نوع عنوانی را که از استعاره، کنایه، تمثیل و سایر صناعات ادبی استفاده کرده، جای داد. باید توجه داشت این ابهام زمانی رفع می‌شود که آن اثر کاملاً خوانده شده و درک شود، مانند:

اثر ویلیام فاکنر *Absalom, Absalom*

اثر استفن کرین *The Bride Comes to Yellow Sky*

مار و طناب (۱۹۶۰) اثر راجارائو

در اینگونه عناوین، آنطوری که در مورد عناوین صریح معمول است، نمی‌توان با نگاه اول پی به موضوع و محتوای اثر برد.

نیومارک (۵۷: ۱۹۸۸)، عناوین را به دو گروه عناوین توضیحی (descriptive) و تلمیحی (allusive) تقسیم‌بندی کرده است. در متون غیر ادبی، عنوان توضیحی به اختصار به موضوع اثر

اشاره می‌کند، و هدف متن را به نحوی در خور بیان می‌کند. عناوین توضیحی برای پاره‌ای از ادبیات تخیلی و روزنامه‌نگاری عامه پسند مناسب است و در بعضی مواقع می‌توان آنرا تغییر داد. به نظر وی، عنوان تلمیحی نوعی ارتباط ارجاعی یا استعاره‌ای با موضوع دارد. در متون غیر ادبی، همیشه این امکان هست که عناوین تلمیحی به عناوین توضیحی تبدیل شوند، بویژه اگر عنوان تلمیحی مصطلح باشد و یا به لحاظ فرهنگی محدودیت داشته باشد. نیومارک در جایی دیگر به عنوانی به نام "عنوان خبری" (informative) اشاره می‌کند.^۱ البته وی توضیحی در این باره نداده است؛ ولی به نظر می‌رسد که این عنوان بیشتر مرتبط با حوزه کار روزنامه‌نگاری و ترجمه این گونه متون باشد.

۲- معیارهای ترجمه عنوان

از آنجاکه اصول و قواعد ترجمه، تنها خاص جملات و بندها نیست، و در مورد تک تک کلمات صدق می‌کند، بدون توجه به این اصول، ترجمه عنوان ترجمه‌ای دقیق و پذیرفتنی نخواهد بود. بعضی از مترجمان گمان می‌کنند چون عناوین معمولاً کوتاه‌اند، پس می‌توانند در کمترین و اولین زمان، عنوان را ترجمه کنند. بهترین زمان برای ترجمه عنوان، زمانی است که مترجم ترجمه کل اثر را در پیش روی دارد و به آن احاطه کامل یافته است.

از نظر کریم امامی، ترجمه عناوین به طور ابتدا به ساکن برای کسانی که با موضوع اثر آشنا نباشند، از مقولات بسیار دشوار ترجمه محسوب می‌شود.^۲ لذا، بر مترجم است که ابتدا هر اثری را به دقت بخواند؛ و بعد از آنکه به موضوع آن وقوف کامل یافت، با رعایت اصول و قواعد دست به ترجمه عنوان آن بزند. البته، تشخیص نوع عنوان ضروری است. در اینجا، ممکن است چند حالت پیش آید: حالت نخست آنکه ترجمه دقیق و رسا امکان دارد و به زبانی دیگر، عنوان مبدأ به خوبی بیانگر محتوا در زبان مقصد می‌باشد، لذا عنوان را چنان که در اصل است، حفظ می‌کنیم. مانند:

مرگ ایوان ایلیچ، لئو تولستوی *The Death of Ivan Ilych*
صد سال تنهایی، گابریل گارسیا مارکز *A Hundred Years of Solitude*

حالت دوم، زمانی است که ترجمه دقیق و رسا امکان ندارد، اما مترجم می‌تواند به گونه‌ای ترجمه کند که ترجمه او هم به عنوان متن اصلی نزدیک باشد و هم از مقصود نویسنده و محتوای کتاب دور نباشد. مانند:

The Muslim Discovery of Europe^۳
مسلمانان در راه کشف اروپا (مسلمانان و کشف اروپا)، برنارد لوئیس، (هر دو پیشنهاد آقای حسن لاهوتی)
در تلاش آتش، جک لندن *To Build a Fire*

1. *Approaches to Translation*, 1988, P.148.

۲- مترجم، ش ۱۴-۱۳، ص ۹۶.

۳- این کتاب با عنوان نادرست "مسلمانان در اروپا" توسط م. قائد ترجمه شده است.

حالت سوم و آخر، زمانی است که مترجم در دو حالت قبل به نتیجه نرسیده است و چون می بیند ترجمه دقیق عنوان اثر در فارسی نازیبا و حتی نارسا درمی آید، پس ترجمه آزاد را روا می بیند. اما، مترجم باید ترجمه کند که در این مرحله، این روایت به این معنا نیست که هر چه بر قلم رفت، صحیح و قابل قبول است. به یقین، این مرحله از دشوارترین مراحل ترجمه عنوان است و نیاز به تجربه، مشورت و حتی مراجعه به سایر منابع دارد. مترجم نباید صداقت و امانت پرستی را فدای زیبا بودن و پرکشش بودن و جلب نظر ناشر و خواننده کند. با در نظر گرفتن اولویت اول یعنی رساندن موضوع اصلی کتاب مترجم باید دقت کند که "عنوان منتخب او نباید با عنوان متن اصلی که مؤلف برگزیده است، بی ارتباط و یا به صورتی در آید که فضای این دو عنوان یکی نباشد."^۱ نیومارک (۱۹۸۸:۵۷) پیشنهاد می کند که عنوان ادبیات تخیلی به صورت تحت اللفظی حفظ شود. به نظر او "مادام بوواری فقط مادام بوواری است." در مواقعی هم که عنوان تلمیحی است به صورت تحت اللفظی و در مواقع ضروری به صورت استعاری حفظ می شود. در ضمن برای ترجمه عناوین طولانی بهتر است این عناوین را به دو عنوان تبدیل کنیم و ترتیب کلمات را به هم بزنیم.

۳- ضرورت‌های ترجمه عنوان

نیومارک (۱۹۸۸:۱۵۶) معتقد است مترجم حق دارد عنوان متن را تغییر دهد. اما، باید توجه داشت که این حق محدودیت‌ها و پیش شرط‌هایی دارد. اگر این محدودیت‌ها را مترجمان رعایت کرده بودند، امروز شاهد ترجمه‌های مختلف از عناوین نبودیم. نخستین پیش شرط آن است که مترجم قصد خود از ترجمه عنوان را مشخص کند. اگر قرار است ترجمه عنوان بر پشت جلد کتابی نقش ببندد، مترجم باید زحمتی را متقبل شود و در کتابنامه‌ها، فهرست‌نگاری‌ها و یا فرهنگ‌ها به جستجو پردازد و یقین حاصل کند که آیا قبل از او آن عنوان ترجمه شده است یا خیر؛ در صورتی که ترجمه شده بود و آن عنوان با معیارهای ترجمه همخوانی داشت و با همان ترجمه جافتاده بود، لاقلاً برای رعایت اصل اجتماعی فضل تقدم، آن را به همان صورت ضبط کند. در صورتی که مترجم پی برد که عنوان مورد نظرش، هنوز ترجمه نشده است، بخت آن را دارد که با ارائه ترجمه‌ای دقیق و رسا، علاوه بر آنکه ترجمه‌ای پایدار از خود باقی می‌گذارد، کار سایرین را نیز آسان سازد. در صورتی که مترجم به هر دلیل عناوین قبلی را قبول نکند و بخواهد عنوانی جدید ارائه کند باید اصل امانت‌داری را رعایت کند. یعنی، در صفحه‌شناسنامه کتاب، عنوان اصلی و ترجمه دقیق آن را بدهد. متأسفانه، این کار در سالهای گذشته چندان رعایت نشده است؛ اما، اخیراً مشاهده می‌شود که مترجمان به صفحه‌شناسنامه کتاب توجه بیشتری می‌کنند. آخرین موضوع اینکه، اگر مترجمی قصدی غیر از آنکه گفتیم دارد، مثلاً می‌خواهد از عنوان کتاب یا مقاله یا فیلمی در مقاله یا تحقیق خود استفاده کند، باید مراحلی را که بر شمرده‌ایم، در نظر بگیرد.

۴- مقایسه چند عنوان

برای حسن ختام، چند نمونه از عناوین ترجمه شده ارائه می‌شود. مقایسه این عناوین علاوه بر جنبه آموزشی، جنبه تفریحی نیز دارد. در ابتدا چند نمونه از عناوین خوب و ماندگار:

A Farewell to Arms وداع با اسلحه، ارنست همینگوی، ترجمه نجف دریابندری،

White Fang سپید دندان، جک لندن، ترجمه محمد قاضی،^۱

The Triumphal Sun شکوه شمس، آن ماری شیمل، ترجمه حسن لاهوتی،

The Sound and the Fury خشم و میاهو، ویلیام فاکنر، ترجمه^۲ بهمن شله‌ور،

در زیر، عنوان چند کتاب با هم مقایسه می‌شود. علامت ستاره (*) بدین معنی است که کتاب تحت آن عنوان چاپ شده است.

A Moveable Feast (ارنست همینگوی)

عیش مدام: محسن سلیمانی (م.س.) * جشن بیکران: فرهاد غبرایی

Big Two-Hearted River (ارنست همینگوی)

* رودخانه بزرگ: کیوان اسلامی * بزرگ رودی دو دل: سیاوش دانش
رودخانه بزرگ با دو قلب: تهینه ادیب‌فر

The Sun Also Rises (ارنست همینگوی)

* خورشید همچنان می‌درخشد: رضا مقدم * خورشید همچنان می‌دمد: ع. کارن
خوشید هم طلوع می‌کند: م.س.

As I Lay Dying (ویلیام فاکنر)

* گور به گور^۳: نجف دریابندری دراز می‌کشم تا بمیرم: م.س.
تا وقتی جان می‌کنم: کاوه بهمن

Idyll in the Desert (ویلیام فاکنر)

چکامه در باران: کاوه بهمن بت در صحرا: م.س.

در پایان این نوشتار، عناوین چند فیلم با هم مقایسه شده‌اند. لازم است ذکر شود که معمولاً عناوین فیلم‌ها بیشتر دچار تغییر می‌شوند. مثلاً بد نیست بدانید که "سرگئی بوردرروف"، کارگردان و فیلمنامه‌نویس چهل و نه ساله روسی، نام فیلم "زندانی قفقاز" را به درخواست شرکت‌های پخش فیلم آمریکایی، به "زندانی کوهستانی" تغییر داد. او معتقد بود که آمریکایی‌ها چیز زیادی در باره قفقاز نمی‌دانند. همین تغییر کوچک باعث فروش خوب فیلم شد.^۴ در ضمن عناوین فیلم‌ها به دلایلی دیگر از قبیل دلایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... نیز تغییر می‌کنند. برای مثال در مورد نقش تفاوت‌های

۱- درباره این عنوان و سرگذشت آن ر.ک.: مترجم ش ۹، ص ۳۰.

۲- شماره ۹، ص ۳۰. ۳- برای اطلاع بیشتر: ر.ک. مترجم، شماره ۹، ص ۳۹.

فرهنگی در تغییر عنوان به مورد زیر توجه کنید. سیدنی پولاک در سال ۱۹۶۹ از روی داستانی به نام *They shoot horses, don't they?* نوشته هوراس مک کوی فیلمی به همین عنوان ساخت. این فیلم با نام "آنها به اسبها شلیک می کنند" در ایران به نمایش در آمد. عنوان فارسی فیلم که ترجمه تحت‌اللفظی عنوان انگلیسی است تصور درستی از مقصود نویسنده به دست نمی دهد. داستان فیلم به طور خلاصه این است که در یک مسابقه شش روزه و بی وقفه رقص، دختر و پسری با هم دوست می شوند. آنها در صورتی که در این مسابقه پیروز شوند پول مختصری برای تأمین معاش زندگی خود به دست می آورند. در طی مسابقه پسرک متوجه می شود که دختر شدیداً دچار یأس و ناامیدی است و قصد خودکشی دارد. اما از آنجا که خود قادر به این کار نیست از پسرک می خواهد این لطف را در حق او بکند و او نیز این کار را می کند چون او را دوست دارد. پسر در اینجا کاری می کند که در غرب آمریکا هر گاوچرانی با اسب پا شکسته اش می کند، یعنی او را می کشد، نه به این دلیل که زندگی اش را بگیرد، بلکه به این دلیل که کمکش کند.

در پایان فیلم پلیس پسرک را دستگیر می کند. پسر در پاسخ پلیسی که علت این عمل را از او می پرسد می گوید: "They shoot horses, don't they?". پسرک با این جواب که در قالب سؤالی بی پاسخ بیان شده است تعجب خود را از سؤال پلیس نشان می دهد چرا که پلیس نیز چون او در فرهنگ غرب آمریکا رشد یافته است، فرهنگی که در آن اسب ارزش و حرمت بسیار دارد و عقیده بر آن است که نباید آسیبی را که در حال زجر کشیدن است به حال خود رها کرد.

با توجه به توضیحات فوق، معنای صحیح جواب پسرک به پلیس (و در واقع معنی عنوان فیلم) چیزی شبیه این است: "مگر نه اینکه کاری که من کردم همان کاری است که هر آدم دیگری هم می کند تا موجود زنده ای را از عذاب و رنج خلاص کند؟" با این توضیحات، ترجمه عنوان فیلم هر چه باشد، مطمئناً "آنها به اسبها شلیک می کنند" نیست.

لازم است یادآوری شود که این کتاب توسط محمدعلی سپانلو (۱۳۶۲) با عنوان "آنها به اسبها شلیک می کنند" به فارسی ترجمه شده است. به نظر می رسد علت اینکه مترجم این عنوان را برای کتاب انتخاب کرده این است که فیلم مربوط به کتاب قبل از انتشار کتاب در ایران نمایش داده شده و این عنوان برای خواننده ایرانی آشنا بوده است. اما مترجم در پایان کتاب همین جمله را این گونه ترجمه کرده: "اسب لنگ را باید خلاص کرد."^۱

در زیر، عنوان اول، نام اصلی فیلم و عنوان دوم نامی است که فیلم تحت آن نام در ایران به نمایش در آمده است:

(کارگردان: ریچارد کواپن، آمریکا، ۱۹۵۹) *It Happened to Jane.*

۱- برای جین اتفاق افتاد.

۲- از بیوه ها پرهیز کنید.

۱- این مشکل در ترجمه تحت‌اللفظی عنوان فیلم به زبان صرب و کروات‌ها نیز وجود دارد. رجوع کنید به

The Fearless Vampire Killers, or Pardon Me, Your Teeth Are in My Neck. (رومن پولانسکی، آمریکا، ۱۹۶۷)

- ۱- قاتلین بیباک خون آشام، یا ببخشید، دندانهای شما در گردن من فرو رفته است.
- ۲- بیوسن ولی گازم نکیر.

For Pete's Sake. (پیتر بیز آمریکا، ۱۹۷۴)

- ۱- بخاطر پیت
- ۲- خیلی خاطر تو میخوام.

مآخذ و منابع

۱. رابرتس، جیمز. ل. نگاهی دیگر بر وداع با اسلحه / ارنست همینگوی، ترجمه تهینه ادیب‌فر، تهران کتاب مهناز، ۱۳۷۴.
۲. شیمل، آن ماری. شکوه شمس، ترجمه حسن لاهوتی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷.
۳. فاکتر، ویلیام. گور به گور، ترجمه نجف دریابندری، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۱.
۴. فاکتر، ویلیام. برخیز ای موسی، ترجمه صالح حسینی، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۴.
۵. همینگوی، ارنست. براه خرابات در چوب تاک، ترجمه پرویز داریوش، تهران، کتابهای جیبی، چاپ دوم. (۱۳۳۲).
۶. همینگوی، ارنست. جشن بیکران، ترجمه فرهاد غبرایی، تهران، ۱۳۶۸.
۷. همینگوی، ارنست. خورشید همچنان می‌دمد، ترجمه ع. کادن، تهران، سپهر، ۱۳۲۹.
۸. همینگوی ارنست. خورشید همچنان می‌درخشد، ترجمه رضا مقدم، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۴۰.
۹. همینگوی ارنست. زنگها برای که بصدای درمی آید، ترجمه رحیم نامور، ؟، ؟، چاپ دوم، ۱۳۳۸.
۱۰. همینگوی ارنست. ناقوسها برای که بصدای درمی آید، ترجمه علی سلیمی، (تهران)، پیروز، ۱۳۴۵.
۱۱. همینگوی ارنست. زنگها برای که بصدای درمی آید، ترجمه رضا مرعشی، تهران، کتابفروشی حسینی، ۱۳۵۰.
۱۲. همینگوی ارنست. وداع با اسلحه، ترجمه نجف دریابندری، (تهران)، صفی‌علیشاه، (۱۳۳۳).
۱۳. یانگ، فیلیپ. ارنست همینگوی، ترجمه شیوا صفوی، تهران، نشر نشانه، ۱۳۷۲.
۱۴. بهمن، کاوه. رمان نو در غیاب انسان، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۳.
۱۵. دانشفر، بهروز. فرهنگ جهانی فیلم، جلد ۱، تهران، مؤلف، ۱۳۷۲.
۱۶. دانش، سیاوش (مترجم). گلچینی از داستانهای کوتاه آمریکا، تهران، اداره اطلاعات آمریکا، ۱۳۵۳.
۱۷. سلیمانی، محسن (مترجم). از روی دست رمان‌نویس، تهران، حوزه هنری، ۱۳۶۷.
18. Newmark, Peter. *A Text book of Translation*, Prentice Hall.
19. Newmark, Peter. *Approaches to Translation*, Prentice Hall International, 1988.
۲۰. فصلنامه مترجم، شماره‌های ۱۴، ۱۳، ۹
۲۱. آینه پژوهش، ش ۳۵.